

بررسی راهکارهای طراحی شهری جهت خلق فضای شهری کودک‌مدار (نمونه موردی: شهر همدان)

سیدمهدی حجازی*، کیومرث حبیبی**

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۸/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۹/۱۸

چکیده

شهر دوستدار کودک، شهری است که در آن خواسته‌های کودک در اولویت قرار می‌گیرد. وضع اجتماعی، فرهنگی و معماری شهر همسو با نیازهای آنان است و حقوق کودکان در سیاست‌ها، قوانین، برنامه‌ها و بودجه منعکس می‌شود. رویکرد CFC (شهر دوستدار کودک) این شهر را به سمتی سوق می‌دهد که در آن، کودکان نقش مؤثری در مورد شهر خود دارند و نظر آنان در تصمیمات شهری ابراز شود و خانواده و اجتماع نیز موظفانند کودکان را مسائل و تصمیم‌گیری‌ها دخیل کنند. این پژوهش با استفاده از پرسشنامه‌های ترکیبی نیمه‌باز و بسته به روشی کیفی سعی در استخراج اولویت‌ها و ترجیحات کودکان در فضای شهری را دارد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که کودکان: استفاده از هندسه پیچیده و نامنظم؛ استفاده از مبلمان مناسب کودکان از نظر اندازه، رنگ، طرح؛ ایجاد شرایط مناسب برای استفاده کودکان از پوشش گیاهی؛ کف‌سازی مناسب تمامی فصول و رنگارنگ؛ کنترل سرعت سواره در ورودی محلات و معابر؛ ایجاد فضاهای بازی و تجمع متمرکز و غیرخطی و قابل نظارت برای کودکان؛ حفظ مقیاس انسانی و پرهیز از بلندمرتبه‌سازی را به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی‌های محیط مطلوب می‌دانند.

واژگان کلیدی

شهر کودک‌مدار، فضا شهری، کودک، همدان

Email: mahdi.hejazi@gmail.com

Email: Habibi_ki@yahoo.co.uk

* کارشناس ارشد طراحی شهری، گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ایران.

** دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه کردستان.

مقدمه

عمده متصدیان امور شهری حتی طراحان و برنامه‌ریزان شهری علی‌رغم تأکید این دانش در توجه به مسائل اقشار مختلف اجتماعی به هنگام اتخاذ تصمیم به کودکان توجه نمی‌کنند. شهرها بنا بر شرایط خودبه‌خودی پای گرفته‌اند که برای کودکان حالتی خشن را به وجود آورده‌اند. بی‌توجهی به این مسائل محیط روانی و اجتماعی کودکان را آشفته ساخته و تأثیر نامناسبی بر جریان رشد آنان می‌گذارد. بررسی این مسئله ضروری است که شهرها و محیط‌های شهری، مخاطبان خردسال و تیزبینی دارد که بسیار بیشتر از بزرگسالان از محیط تأثیرمی‌پذیرند اما کودکان دنیا را به صورتی کاملاً متفاوت درک می‌کنند. این ادراک، تصویری از محیط را در ذهن کودک به وجودمی‌آورد که با تصاویر نقش بسته در ذهن بزرگسالان تفاوت بنیادین دارد. باین‌وجود بسیاری از فضاهایی که برای کودکان خلق می‌شوند. به ابعاد مختلف وجودی کودک توجه نداشته و با نیازهایشان هماهنگ نیستند زیرا این فضاها با توجه به ویژگی‌ها و استنباط بزرگسالان شکل گرفته‌اند نه کودکان. این فضاها به دلیل عدم سرزندگی نه تنها برای رشد کودک در ابعاد مختلف مناسب نیستند بلکه در بسیاری از موارد باعث پدید آمدن احساس کسالت در کودک و کم‌رنگ شدن خلاقیت‌های ناب کودکان می‌شوند. درحالی‌که فضاهای سرزنده شهری فضاهایی هستند که مناسب برای همه اقشار جامعه، جذاب کارآمد و امن برای کودکان و افراد مسن مکانی برای بازی، گفتگو، ملاقات و دسترس به طبیعت می‌باشند.

طی سال‌های اخیر پیرامون شهر دوستدار کودک (CFC) در کشورهای پیشرفته مطالعات و تحقیقات زیادی انجام گرفته است. اولین بار در سال ۲۰۰۷ میلادی شهر بندیکو در استرالیا از طرف یونیسف به‌عنوان شهر دوستدار کودک و اولین شهری که تمام جنبه‌ها و ویژگی‌های یک شهر دوستدار کودک را از نظر یونیسف به خود اختصاص داده بود، معرفی و به رسمیت شناخته شد. در این شهر حقوق کودکان به‌عنوان اولویت اصلی و اساسی در تمام رویکردها موردتوجه قرار دارد. توجه به مفهوم شهرهای دوستدار کودک در ایران سابقه چندانی ندارد. شاید بتوان گفت اولین توجه جدی به این موضوع پس از زلزله مخرب سال ۱۳۸۲ در بم صورت گرفت به‌گونه‌ای که سازمان یونیسف با همکاری دیگر نهادها، پروژه شهر دوستدار کودک را باهدف مشارکت جمعی کودکان تعریف و آن را هدف‌گذاری کرد. در این پروژه کودکان ۶ تا ۱۳ سال مشارکت داشتند و نظرات خود را با روش‌های مختلف ابراز می‌کردند.

گلاسون و سایپ (Gleeson & Sipe, 2006)، اولین کتاب را در رابطه با شهر دوستدار کودک تحت عنوان ایجاد شهر دوستدار کودک تألیف کردند که اساسی‌ترین منبع نیز در این زمینه محسوب می‌شود. در این کتاب به بیان و معرفی شهر دوستدار کودک، شاخص‌ها و عوامل ضروری یک شهر دوستدار کودک پرداخته شده است.

ریگگیو، در سال ۲۰۰۲، پژوهش‌های درباره شهرهای دوستدار کودک، امکانات، بودجه و مؤسسات قانونی موردنیاز و اینکه چگونه مفهوم شهر دوستدار کودک گسترش یافته نوشته است و به بررسی اساس‌نامه بنیادی شهرهای دوستدار کودک (CFC) پرداخته، همچنین دلایل ایجاد شهرهای دوستدار کودک و اصول کار و نمونه‌هایی از این شهرها را توضیح داده است. همچنین این موضوع را روشن ساخته که کمیته شهری حقوق کودک، سیستم کاری خود را بر اساس چهاراصل مهم حقوق کودک بنیان نهاده است:

- عدم تبعیض؛
- بیشترین علایق کودکان؛
- حقوق زندگی و توسعه حداکثری؛
- احترام به دیدگاه کودکان؛

پژوهش‌های مختلف دیگری در ابعاد و زمینه‌های مرتبط با موضوع شهر دوستدار کودک در سطح دنیا انجام شده است، برای مثال، آرتز و همکاران پیرامون فعالیت‌های چندبخشی برای افزایش محیط‌های دوستدار کودک پژوهشی ارائه کردند (Aarts et al, 2011). هامپشایر و همکاران نیز به‌منظور افزایش سلامتی کودکان، راهبردهایی مبتنی بر نقش درمانی عوامل منظر و چشم‌انداز محیطی ارائه کردند (Hampshire et al, 2011).

هولت و همکاران در سال ۲۰۰۹ پیرامون فرصت‌هایی که کودکان جهت انجام فعالیت‌های فیزیکی در سطح محلات شهری پیدا می‌کنند و منجر به افزایش سلامتی آن‌ها می‌شود پژوهشی انجام دادند (Holt et al, 2009: 1022). ترانتر و ویتلک، رفتار حرکت و گردش کودکان را براساس سبک و شیوه زندگی و وضعیت شبکه حمل‌ونقل در شهر کانبرا بررسی کردند. (Tranter & Whitelegg, 1994) طی سال ۲۰۰۶، کیفیت زندگی کودکان را در کوئین ایسلند با تأکید بر مدیریت منطقه‌ای برای جلوگیری از امراض کودکان بررسی و ارائه کردند (Thomas et al, 2006: 508). بارنت و همکاران، کیفیت تعلق کودکان استرالیا را در محیط‌های شهری مورد بررسی

قرار دادند (Barnett, 2005). هیل و ساندفور، اثرات فقر کودکی را در زندگی جنبی کودکان جهت ارائه راهبردهای عمومی بررسی کردند (Hill & Sandfor, 1995).

منظور از این پژوهش بررسی به این موضوع اساسی است که ویژگی فضاهایی که منجر به القاء حس امنیت، راحتی و سرزندگی در کودکان می‌شوند چیست؟ و آیا با بکارگیری اصول و ضوابط طراحی شهری می‌توان کودکان را به حضور در فضاهای شهری ترغیب کرد؟

روش تحقیق

سنجش میزان کودکمداری در محلات و مناطق مختلف شهر نیازمند روش‌های مناسب ارزیابی است. با توجه به موضوع پروژه و در نهایت امر ارائه راهکار و طراحی محیط و فضاهای شهری و در نظر داشتن مطالعات پایه و اولیه این پژوهش در دسته تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات شامل: استفاده از فن SWOT برای ارزیابی وضع موجود، استفاده از تحلیل‌های AHP برای ارزیابی وزن و اولویت انتخاب‌های کودکان است. به منظور مقایسه میزان پاسخگویی به اصول شهر دوستدار کودک در دو نمونه موردبررسی به تبیین شاخص‌هایی نیاز است. شاخص عبارت است از استفاده از ملاک‌ها و اصولی که خصوصیات کیفی را در قالب کمیت بیان کرده و آنان را قابل‌بررسی و ارزشیابی می‌کند شاخص نامیده می‌شود (با حجب ایمانی، ۱۳۸۷). بدین منظور به جمع‌آوری شاخص‌های شهر دوستدار کودک از منابع علمی و مطالعاتی مختلف مانند مقالات، کتاب‌ها و طرح‌های مطالعاتی پرداخته و در نهایت یک چارچوب شاخص‌های شهر دوستدار کودک که در واقع چکیده‌ای از شاخصی‌های اصلی در منابع مختلف می‌باشد، تهیه شده است. همچنین به منظور بررسی دقیق‌تر برای هر کدام از شاخصی‌ها تعدادی زیرشاخص نیز در نظر گرفته شده است.

مفهوم مکان و ارتباط آن با رشد کودک

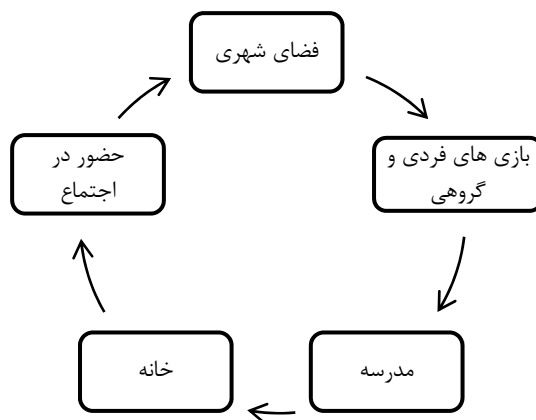
از بعد روان‌شناختی، درک معنا به واسطه شناخت غیرمستقیم یا حرکت در خارج از جریان وقایع ادراک-کنش صورت می‌گیرد، به عبارتی وقتی فردی در ارتباط مستقیم با موضوعی قرار گیرد، آگاهی و شناخت کامل صورت نمی‌پذیرد؛ بنابراین کودکان نیز تنها به واسطه بازتاب محیط در تجاربشان، معنا و ارزش ارتباط با مکان را خواهند آموخت، زیرا آگاهی در حین تجربه مستقیم به کم‌ترین حد خود می‌رسد تا حدی که مواجهه با جهان، تقریباً ناخودآگاه و عادی به نظر می‌رسد و مرز تجربه بین خود و جهان مورد اغفال واقع می‌شود (Spencer & Blades, 2006). شناخت غیرمستقیم، این امکان را برای کودکان فراهم می‌کند تا تجربه مکان را در ذهن خود منعکس سازند و ماهیت ارتباط خود را با مکان به واسطه تجربه، تعیین نمایند. نکته حائز اهمیت در رشد ادراکی کودکانی است که این رشد، تقابلی از کنش و ادراک محسوب می‌شود و به صورت چرخه‌ای همدیگر را پشتیبانی می‌کنند. با این دیدگاه، تعامل دیالکتیک ارتباط کودک با مکان مورد تأیید است. مکان، دارای ارتباط واسطه یا دوسویه با کودک در ارتباط با رفتار یا تکالیف وی است. کودک برای ارضای برخی خواست‌ها و نیازهایش با مکان تعامل می‌کنند. برای این که کودک، مکان خاصی را به لحاظ ارزشی به دیگر مکان‌ها ترجیح بدهد، این مکان باید خواست‌ها و نیازهای او را ارضا کند و بین کنش و ویژگی‌های محیطی مربوطه تناسب ایجاد شود. در این حالت کودک برای ارضای نیازهای خود، با محیط تعامل می‌کند. هم‌چنین زمانی که زمینه اجتماعی اکولوژیکی برای تحقق این قابلیت تقویت می‌شود، کودکان ممکن است نسبت به مکان، احساسات عاطفی شدیدی نشان دهند. موضوع مهم برای مفهوم‌سازی تعامل با مکان در دوران کودکی این است که کودکان با مکان‌هایی روابط عاطفی مطلوبی ایجاد می‌کنند که خواست‌ها و نیازهای آن‌ها را در فرآیند رشدشان برآورده کند. مکان دوستی، پیوندی پرمحبت و تأثیرگذار میان مردم به ویژه کودکان و مکان‌ها است. مکان دوستی، به صورت‌های متفاوتی ابراز می‌شود که می‌تواند زیبایی‌شناختی، حسی یا عاطفی باشد و حس مکان، شامل واکنش عاطفی یا بیولوژیکی به محیط کالبدی و فرهنگی است (Christensen & O'Brien, 2003).

کودک و ارتباط با محیط

انسان به‌عنوان موجودی که وابسته به طبیعت است درس‌ها و آموخته‌های بسیاری از آن فرامی‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که در این تعامل، شخصیت انسان و رشد جسمی و ذهنی‌اش شکل می‌گیرد. به همین دلیل در طراحی شهری باید تمام گروه‌های سنی را مخاطب قرارداد و در جهت برآورده کردن نیازهایشان کوشید. کودکی و پرداختن به آن به‌طور خاص قدمت زیادی ندارد. طبق آنچه مارک روتکو در معماری مهدکودک می‌گوید، ایده نگاه به کودکی از غرب و در اواخر قرن ۱۷ میلادی صورت گرفت است. کودکان نیازمند محیط‌هایی هستند که آنان را مخاطب قرار دهد، به چالش وادارد و توجه آنان را جلب کند تا آن‌ها مشاهده کنند و بیاموزند؛ لذا تأکید بر ایجاد فضاهایی راحت، ایمن، قابل‌دسترس، پاسخگو، جذاب، خلاق و زمینه‌ساز رشد جسمی و ذهنی کودک از جمله نکاتی است که باید در

ساخت فضاهای شهری مورداستفاده کودکان موردتوجه قرار گیرد. بسیاری از ویژگی‌های عاطفی و رفتاری انسان در سنین کودکی و نوجوانی شکل می‌گیرد از این‌رو علاوه بر خانه و مدرسه باید فضاهای اجتماعی دیگری در شهرها وجود داشته باشد که به مسائل پرورش کودکان بیشتر توجه کند (Churchman, 2003). جان لاک معتقد است که تجربه‌های نخستین آدمی عمیقاً بر زندگی بعدی او اثر می‌گذارد و بر همین اساس بر نقش تربیت و اهمیت پرورش تأکید می‌کند. پیاژه در سال‌های دهه ۱۹۹۰ به این نتیجه رسید که کودکان در مقایسه با بزرگسالان جهان را به‌طور دیگری می‌بینند؛ همان‌طور که بزرگسالان محیط را از طریق فرم درک می‌کنند، جنبه‌هایی از محیط برای کودکان مهم است که بتوانند محیط را بر اساس کاربری‌های مختلفی که به آن می‌دهند تغییر دهند راه رفتن بین خانه و مدرسه کودکان را قادر به یادگیری محیط اطراف می‌سازد. بازی و بیرون رفتن با دوستان فعالیت‌های قابل توجهی هستند که توسط بزرگ‌ترها نادیده انگاشته می‌شوند، درحالی‌که آن‌ها بخشی از تجربه دوران کودکی هستند. بر همین اساس بدون تردید می‌توان گفت که بازی بهترین شکل فعالیت طبیعی هر کودک محسوب می‌شود و در زندگی کودک اهمیت ویژه‌ای دارد (Woolcock et al, 2010).

فعالیت‌هایی که کودک در فضای شهری به‌عنوان بازی انجام می‌دهد در پرورش نیروی بدن و حواس او تأثیر فراوان دارد. از نظر حسی و حرکتی نیز به‌وسیله بازی حس بینایی- شنوایی و بساواایی کودک پرورش می‌یابد. کودک به وسیله بازی مفاهیم همکاری- پیروزی- شکست- رقابت و ایجاد رابطه انسانی و دوستانه را یاد می‌گیرد؛ بنابراین بازی تجربه‌های مختلفی را در اختیار بچه‌ها می‌گذارد، تجربه‌هایی که بچه‌ها به آن‌ها نیاز دارند تا مهارت‌های اجتماعی را فراگیرند. به همین دلیل از نکات اصلی در طرح فضای شهری ایجاد فضای باز برای کودکان می‌باشد. چراکه به نظر جان لاک باید به کودکان این امکان را داد که هر زمان که ممکن باشد در فضای باز به بازی بپردازند (شبیعه، ۱۳۸۵).



تصویر ۱- عوامل مؤثر در رشد و پرورش کودک

کودک و ادراک فضا

تا سن ۷ سالگی تجسم فضا از روی تداعی با محیط‌های آشنا و شناسایی نشانه‌های محیطی و یادآوری بعضی علائم بوده و کودک هنوز قادر به ادراک روابط و فضایای هندسی ثابت بین زوایا و خطوط نیست. از ۷ سالگی با افزایش قدرت انتزاع و تشخیص روابط اقلیدس مانند زوایا و اندازه‌های ثابت، روابط جانشین نشانه‌های محیطی می‌شوند. حس ابعاد در سنین مختلف متفاوت است کودکان فضا را بزرگ‌تر از افراد بزرگ‌تر می‌بینند (پیاژه، ۱۳۸۳). دریافت حس کودک از فضا: ذهن کودک از پیچیدگی گریزان است و میل به سادگی دارد؛ به‌طوری‌که پیچیدگی فضاها سبب ایجاد تصویر مبهم و غیرواضح در ذهن او می‌شود. ذهن کودک ناب و خالص است به همین دلیل حتی فضاهایی با فرم فضایی ناقص و نامتعادل از نظر هندسی را به هندسه کامل تصور و ساده می‌کند. کودک باید در برخورد با احجام احساس آرامش کند. تاریکی به اضافه فرم‌های نامتناسب بیش از هر چیز دیگری او را می‌ترساند فضاهایی با رنگ‌هایی شاد و روشن و گاهی با فرم‌های نامشخص (مثل حالتی که در نقاشی با آبرنگ پدید می‌آورد) موضوعات رؤیایی و خیال‌انگیز را القاء می‌کنند (Moore, 1997).

مقیاس فضا (مقیاس کودکانه)

مقیاس فضا، رفتار کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد تحقیقات نشان می‌دهد که هر چه مقیاس فضا کودک‌وارتر باشد، فعالیت کودک در آن از کیفیت بالاتری برخوردار خواهد بود. به بیان دیگر فضا با مقیاس کودکانه بر علاقه کودک و تمرکز او بر فعالیتی که انجام می‌دهد

را می‌افزاید و رسیدن به احساس کسالت را در او به تعویق می‌اندازد. رعایت مقیاس کودکانه بر اساس اندازه‌های بدن کودکان و توانی آنها شامل قد، ارتفاع دسترس و محدوده دید- در فضا باعث می‌شود که کودک در محیط کمترین میزان دسترسی و بیش‌ترین میزان کارایی را داشته باشد در صورتی که ابعاد و تجهیزات فضا با اندازه‌های بدن کودکان هماهنگ نباشد استفاده از آنها برای کودک احساس بی‌کفایتی به وجود می‌آورد و محیط برای کودک دافعه ایجاد می‌کند (Moore, 1997).

تعامل کودکان با فضاهای شهری

تعامل کودک با محیط از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که این تعامل از شکل‌گیری شخصیت تا رشد جسمی و ذهنی کودک را در برمی‌گیرد؛ لذا تأکید بر ایجاد فضاهایی راحت، ایمن، قابل دسترس، پاسخگو، جذاب، خلاق و زمینه‌ساز جهت رشد جسمی و ذهنی کودک از جمله نکاتی است که با استناد به تحقیقات به‌دست آمده و بر اساس واقعیت روان‌شناختی کودک، طراحان و برنامه‌ریزان می‌بایست در ساخت فضاهای شهری مورداستفاده کودکان موردتوجه قرار دهند. بدیهی است که تعامل پویای کودک و جستجو و کشف قابلیت‌های محیطی مستلزم مشارکت فعال وی در شکل‌دهی و بهره‌برداری از محیط خواهد بود. کودک از طریق مشارکت محیطی، حس اجتماع محلی، آگاهی محیطی، حس تعلق و مؤثر بودن را درک خواهد کرد و خود را یک بهره‌بردار بی‌تفاوت محیط قلمداد نخواهد کرد و به‌عبارت‌دیگر محیط برای کودک موضوعیت پیدا کرده و به‌صورت جدی مورد ارزیابی او قرار خواهد گرفت (Marcus & Francis, 1997).

به‌عنوان نمونه شادی و نشاطی که در فضاهای محله‌ای پس از بارش برف، به‌ویژه در کودکان و نوجوانان آشکار می‌شود به امکانات و شایستگی‌ها و قابلیت‌های بسیار زیادی مربوط است که در آن حوزه محدود، در فضاهایی چون معبر همسایگی و محلی و مرکز محله و بوستان‌ها و زمین‌های بازی، توسط کودکان جستجو، کشف یا خلق می‌شود. قابلیت‌هایی نظیر برف‌بازی، سرسره بازی، ساخت آدم‌برفی، پارو کردن مسیر، ایجاد تغییر و تنوع در منظر محیطی شهر، بوستان، چمن‌زار و حتی تغییر توپوگرافی و شیب‌ها و سطوح عمومی شهر و بوستان و تضاد شکلی، حسی و عاطفی ایجادشده در محیط، آرامش صوتی محیط (جذب صوت در سطوح برفی) و به‌طورکلی ایجاد جشنواره‌ای از قابلیت‌های خلاق، بدیع و نشاط‌آور محیطی از آن جمله هستند (Walsh, 2006).

مفهوم شهر دوستدار کودک

مفهوم "شهر دوستدار کودک" به‌طورکلی به این معنی است که دولت‌مردان چگونه این شهرها را بر اساس علایق بچه‌ها اداره می‌کنند و نیز به شهرهایی گفته می‌شود که در آن، حقوق اساسی بچه‌ها مثل سلامت، حمل‌ونقل، حمایت، آموزش و فرهنگ رعایت می‌شود. بر این اساس بچه‌ها به عنوان شهروندانی تعریف شده‌اند که حقوقی دارند و حق دارند نظراتشان را ابراز کنند. یک شهر دوستدار کودک تنها به‌وسیله کودکان ساخته می‌شود (Riggio, 2002: 46). از زمان تصویب معاهده حقوق کودکان، فعالیت‌های مهم و متعددی آغاز شد که بیش‌ازپیش ساختار حقوق کودکان را مشخص می‌سازد. از این فعالیت‌هایی توان به موارد زیر اشاره کرد (Al-Zoabi, 2000):

- اجلاس زمین و دستور کار ۲۱: زمانی که رهبران جهان در اجلاسی زمین در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو جمع شدند و برنامه مربوط به دستور کار ۲۱ را تدوین کردند، کودکان و جوانان به‌عنوان گروه‌های اصلی شناخته شدند تا در روند توسعه پایدار سهیم باشند.
- اجلاس شهر، حقوق کودکان و اسکان بشر: از میان فعالیت‌های گوناگون برای توسعه اجتماعی و محیط فیزیکی، "اجلاس زمین" از سوی اسکان بشر سازمان ملل متحد ۱۹۹۶ در استانبول از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این اجلاس بر سهیم ساختن جوانان و نوجوانان از سوی دولت‌ها برای شکل دادن شهرهای بزرگ و کوچک و نواحی همسایه تأکید کرده است.
- شهرداران حامیان کودکان: در این ابتکار عمل بین‌المللی که از سوی یونیسف در سال ۱۹۹۲ آغاز شد، شهرداران و سران شهرداری‌ها را برای اولویت قرار دادن نیازهای کودکان و افزایش مشارکت آنان و سایر گروه‌ها در توسعه جامعه و تصمیم‌گیری تشویق کرده است (Driskell, 2002).

محیط‌های دوستدار کودک می‌توانند مستقیماً در سلامت کودکان نقشی داشته باشند. مطالعه "کمیسون کودکان نوجوانان ولز" بر روی درک کودکان از سلامت انجام داده‌است. با معرفی سه موضوع اصلی، سلامت کودکان و برخی از شیوه‌های اثرگذاری محیط ساخته‌شده بر این موضوعات را تأیید می‌کند. هر موضوع اصلی و ابعاد آن در زیر ذکر شده است که خود مبنای چارچوب شاخصی‌های دوستدار کودک ارائه‌شده را شکل می‌دهند (Al-Zoabi, 2000).

فعالیت: داشتن فعالیت یا توان انجام مستقل کار منجر به کارهای کنترل‌ها و ظرفیت‌ها برای اقدام مستقل در زندگی روزمره می‌شود. محیط ساخته‌شده می‌تواند از طریق موارد زیر در تجربه کودکان از فعالیت سهیم باشد.

- فراهم کردن امکان دسترسی مستقلی کودکان به طیف متنوعی از خدمات و فعالیت‌های اجتماعی مناسب کودکان در تمامی سنین، توانایی‌ها و پیشینه فرهنگی.
- ایجاد ظرفیتی برای کودکان برای سالم بودن و دستیابی به مهارت از طریق مشارکت فعال در محیط جامعه محلی.
- ایمنی و امنیت:** منظور داشتن احساسی ایمنی و امنیت برای مشارکت کامل در زندگی و انجام چیزهایی است که کودکان و نوجوانان نیاز به انجام آن‌ها دارند. در این زمینه محیط ساخته شده می‌تواند در تجربه ایمنی و امنیت کودکان از طریق زیر نقش داشته باشد:
- امن تر کردن اماکن عمومی جامعه برای کودکان؛
- افزایش توانایی کودکان در احساس امنیت و ارتباط با جامعه؛
- احساسی مثبت از خود:** داشتن احساس مثبت از خود به معنای آن است که احساس این که شما فرد خوبی هستید و توسط اطرافیان این چنین شناخته می‌شوید. محیط ساخته شده می‌تواند در تجربه کودکان از داشتن احساسی مثبت از خود به روش‌های زیر نقش داشته باشد:
- ایجاد فضاهایی که برای کودکان احساس شادی، استقبالی و پشتیبانی به همراه دارند.
- افزایش فرصت‌هایی برای کودکان جهت دستیابی به فضاهای سبز و مناطق طبیعی و لذت بردن از آن‌ها؛

دلایل ایجاد شهرهای دوستدار کودک

درخواست برای ایجاد شهرهای دوستدار کودک، ریشه در شناخت این موضوع دارد که شهرها خانه‌هایی جهت افزایش حمایت از حقوق کودکان هستند. باین وجود بسیاری از شهرهایی که ایده آل بچه‌ها نیستند، دولت‌هایی را دارند که اقدامات اندکی در این جهت دارند (Unicef, 2002: 7). ایجاد محیط‌های شهری که واقعاً از جامعه کودکان حمایت کنند مستلزم بررسی و مطالعه دامنه گسترده‌ای از موضوعات در سطوح مختلف محلی، ملی و جهانی است. شهر را نباید فقط محل سکونت دسته‌ای از افراد و مرکز قراردادهای دانست، بلکه آن متشکل از روحیات، افکار، آداب و رسوم، معتقدات و احساسات خاصی همه افراد است (Moeis, 1968: 10).

اساسنامه شهرهای دوستدار کودک (CFC)

در سپتامبر سال ۲۰۰۰ میلادی، دبیرخانه جهانی شهرهای دوستدار کودک (CFC) ایجاد شد تا این حمایت را انجام دهد و نیز مرجعی برای این کار باشد. سازمان (CFC) اصول کلی را درباره حمایت از رشد شهرهای مطلوب کودکان و رشد همکاری‌های دیگر، آماده کرد. قبل از ۲۰۰۰ این شبکه، فرم خاصی و هیچ تشکیلات پاسخگو برای ضروریات و کمبودها تا آن زمان نداشت. چنان که اساسی نامه در ۲۰۰۰ به این شرح است:

- تحقیقات میدانی و نوآوری توسط دولت محلی در جهت احقاق حقوق کودکان؛
- گسترشی یک شبکه بر اساس اطلاعات کودکان در جهت ایجاد شهر ایده آلی برای آن‌ها؛
- حمایت از گسترش نشریات و ترویج و توسعه شهرهای دوستدار کودک در مراکز محلی و جهانی بر اساس معیارها و اساسنامه سازمان ملل متحد جهت توسعه شهرهای دوستدار کودکان جهان (Riggio, 2002: 46).

شاخص‌های شهر دوستدار کودک

پیمان جهانی حقوق کودک یک پیمان نامه بین‌المللی است که برای دفاع و حمایت از حقوق کودکان تهیه شده است. این پیمان پس از ده سال گفتگو بین کشورهای عضو سازمان ملل در سال ۱۹۸۹ میلادی تدوین گردیده و ۱۹۹۰ به مرحله اجرا درآمد. پیمان جهانی کودک دارای یک مقدمه و ۵۴ ماده است که مادگان حقوق کودک را مطرح می‌سازد و ۱۳ ماده درباره چگونگی اجرای آن در هر کشور است. این پیمان به‌طور کلی چهار زمینه اصلی را در ارتباط با کودکان مورد توجه قرار می‌دهد که عبارت‌اند از: بقاء، رشد، حمایت و مشارکت برخی از مفاد پیمان نامه به شرح ذیل هست:

همه کودکان باهم برابرند؛ همه کودکان حق دارند از تغذیه مناسب برخوردار باشند؛ آزار و اذیت کودکان ممنوع است؛ همه کودکان حق تحصیل دارند؛ همه کودکان حق دارند به اطلاعات مناسب دسترسی داشته باشند؛ همه کودکان می‌توانند عقاید خود را آزادانه بیان کنند؛ همه کودکان حق دارند از امکانات بهداشتی رفاهی برخوردار باشند؛ همه کودکان حق بازی دارند؛ کودکان بی‌سرپرست نیاز به حمایت ویژه دارند؛ شرکت دادن کودکان در جنگ ممنوع است؛ همه کودکان حق برخورداری از مسکن مناسب را دارند (Francis & Lorenzo, 2006).

در مقاله دریسکل معیارها چنین است: وجود انسجام و تعاملات اجتماعی، وجود مکان‌های بازی و ورزش جذاب و متنوع برای کودکان و

نوجوانان و نیز برای تعاملات و فعالیت‌های اجتماعی؛ خرید و فعالیت‌های عمومی؛ وجود ایمنی و آزادی حرکت؛ ایجاد مکان‌های خاصی برای همسالان (نقاط غیرقابل دیدی که می‌تواند در خیابان، پارک‌های محلی، کافی‌شاپ‌ها، زمین‌های بازی باشد)؛ وجود هویت اجتماعی برای کودکان در محله؛ وجود فضاهای سبز و دسترسی مناسب به طبیعت؛ عدم انزوا و تبعیض‌های اجتماعی؛ عدم یکنواختی محیط؛ نبود ترافیک سنگین؛ عدم وجود احساس ترس از جرم و مورد تعرض و آزار قرار گرفتن؛ عدم تجمع زباله در مکان‌های عمومی؛ وجود امکانات و خدمات و تجهیزات عمومی و اساسی در فضاهای عمومی شهر (Driskell, 2002). در گزارشی تحت عنوان "از کودکان پیرسیم، مروری بر فهم کودکان از رفاه" که توسط دانشگاه گریفیت در بخشی از طرح مطالعه شهری برای کودکان انجام شد شش عامل اصلی برای رفاه کودکان در محیط شهری به دست آمد. نخست: افزایش توانایی کودکان برای انتخاب و دسترسی مستقل به دامنه گسترده‌ای از خدمات، تسهیلات و فعالیت‌ها؛ دوم: ارتقاء توانایی و ظرفیت کودکان برای شرکت در بازی‌ها و رقابت‌ها در محیط جامعه محلی؛ سوم: تضمین حقوق کودکان در مورد امنیت و سلامت در فضاهای عمومی شهر؛ چهارم: افزایش توانایی کودکان در احساس امنیت و ارتباط با محیط کالبدی و اجتماعی؛ پنجم: خلق فضاها و ایجاد حسی خوشامدگویی و تعلق برای کودکان؛ ششم: افزایش فرصت‌ها برای بچه‌ها برای دسترسی به فضاهای سبز و فضاهای طبیعی برای بازی و کسب آرامش (Wooleock & Steele, 2008). در تحقیق مشابهی که در سال ۲۰۰۲ توسط چاولا صورت گرفت و از طریق کار با کودکان ۱۰ تا ۱۵ سال و مشارکت آن‌ها انجام شد مواردی همچون: فضاهای سبز، تدارک تسهیلات و خدمات اساسی، تنوع نظام‌های فعالیتی گوناگون، ایمنی از خطرات فیزیکی، آزادی حرکت و جابجایی، فضاهای جمع‌کننده و گردآورنده، کاهش ترافیک، نبود زباله و آشغال در محیط و دسترسی مناسب در محیط تعیین شد (Chawla, 2002).

در پژوهشی که توسط بارتلت انجام شد لیستی از خواسته‌ها و نیازهای کودکان و سپس اولویت‌های آن‌ها جهت بهبود محیط کالبدی زندگی آن‌ها ارائه شد و شاخص‌هایی چون: وجود امنیت و ایمنی در محیط زندگی؛ داشتن محیط سالم و تأمین بهداشت عمومی؛ وجود فضاهایی برای فعالیت و بازی و تفریح برای کودکان؛ قابلیت شکل‌دهی به فضاها؛ وجود و دسترسی آسان به پارک‌ها و فضاهای طبیعی؛ در نظرگیری مسیرهای دوجرخه و پیاده و ارتقاء کیفیت پیاده‌رو؛ تأمین روشنایی مناسب خیابان‌ها و فضاهای عمومی؛ حمل‌ونقل عمومی مناسب و در نظرگیری شرایط ویژه برای کودکان به دست آمد (Bartlett, 2005).

جدول ۱- دیدگاه نظریه‌پردازان شهرسازی در رابطه با شهر دوستدار کودک مأخذ: (Bartlett, 2005)

نام نظریه پرداز	دیدگاه در خصوص کودک و ایجاد شهر دوستدار کودک
رابرت اوئن	وی در مورد نقش کودک در جوامع شهری می‌گوید: «کودک هم می‌تواند با همین ابزار و از نظر توانایی‌های ماشینی و شیمیایی، پرورش یافته، مکان گرفته به کار گرفته شده و یاری می‌شود، با توانایی‌هایی که از کشفیات علوم ناشی شده‌اند. در این شرایط هر کودک که در طبقه زحمتکش به دنیا می‌آید، هسته مهمی برای جامعه خواهد بود.» (شوی، ۱۳۸۸: ۸)
لوکوربوزیه	به عقیده وی بررسی انسانی و عملکرد انسانی در طراحی شهرها به معنی تعیین نیازهای انسانی است. او می‌گوید: «در شهر با نشاط از امکانات فراستی بهره‌مند هستیم، بچه‌ها می‌توانند با امنیت کامل در پارک بازی کنند، مردم به تفریح مشغول باشند و حمل و نقل مزاحمتی بوجود نیاورد» در طرح‌های وی فضاهای سبز و فضاهای بازی کودکان به میزان وسیعی در نظر گرفته شده است. (پالپانان، ۱۳۸۵: ۴۹۱)
کوبین لینچ	وی به بررسی تصورات ذهنی شهروندان و بررسی کیفیت بصری مناظر شهری پرداخته است و کودکان را به عنوان شهروندان کوچک که نیازمند داشتن تصویری واضح و خوانا از شهر و محل سکونت خود هستند می‌پندارند. (شوی، ۱۳۸۸: ۱۲)
ابنزر هاوارد	وی خالق باغ-شهر است که در طرح‌های شهری خود به نیازهای اقشار مختلف جامعه به خصوص کودکان توجه خاصی داشته است. از جمله واحدهای مسکونی دارای باغ و چمن و فضای بازی، مدارس، توزیع امکانات و ... می‌توان توجه وی را به قشر کودکان مشاهده نمود. (همان، ۲۸۱)

همچنین در مطالعاتی که توسط انجمن جلوگیری از سوءاستفاده از کودکان انجام شد مکان دوستدار کودک مکانی معرفی شد که دارای این ویژگی‌ها باشد: اظهارنظر؛ مشارکت کودکان و دریافت اطلاعات؛ دریافت آموزش‌ها و فرصت‌ها برای رشد کامل اجتماعی، فرهنگی، فیزیکی و روحی روانی کودکان؛ برآورده شدن نیازهای اساسی غذا، پوشاک، پناهگاه و سلامتی کودکان؛ امنیت در مقابل آسیب و انواع سوءاستفاده‌ها؛ فضاهای سبز مشوق فعالیت‌های بازی در بیرون؛ دسترسی به منابع یادگیری مانند کتابخانه؛ و در نهایت تأمین حمل‌ونقل

عمومی مناسب و خدمات ضروری (Woolcock & Steele, 2008).

در پژوهشی دیگر توسط انجمن همکاری در پژوهشی در مورد کودکان و جوانان استرالیا در سال ۲۰۰۶، هشت شاخص معرفی شد: گوش دادن؛ طراحی و شرکت در فعالیت‌ها با کودکان محلی؛ شناسایی کودکان محلی و خانواده‌هایشان به عنوان شرکا و همکاران ارزشمند در زندگی اجتماعی؛ تدارک امنیت و ایمنی برای کودکان؛ تهیه چشم‌انداز یک جامعه مرتبط و وابسته به هم؛ طراحی فضاهای خلاق برای کودکان؛ فراهم کردن بستر یادگیری و توسعه برای کودکان در فضاها و مکان‌های روزمره؛ تأمین تسهیلات و خدمات برای خانواده‌ها؛ صرف زمان برای کودکان برای مشارکت و دریافت ایده‌های آن‌ها (Howard, 2006).

لیزا هارلی نیز در پژوهشی بر روی کودکان و نوجوانان ده شاخص معرفی کرد: مسکن و محل سکونت امن، ایمن و انعطاف‌پذیر؛ تأمین خدمات پایه برای کودکان؛ تضمین امنیت فیزیکی و روانی کودکان؛ فراهم آوردن فرصت‌هایی برای مشارکت کودکان در برنامه‌ریزی و توسعه؛ خلق فرصت‌هایی برای برقراری روابط نزدیک و تعاملات اجتماعی با دوستان، اقوام، خانواده و افراد جامعه؛ استانداردهای بالای کیفی عناصر فیزیکی محیط، تدارک و خلاق فرصت‌ها و موقعیت‌های مناسب برای ایجاد تنوعی از فعالیت‌ها؛ تدارک و توزیع مناسب منابع و کاهش فقر؛ حفاظت طبیعت و کاربرد اصول توسعه پایدار در ساخت محیط و جامعه؛ حس تداوم فرهنگی و حس تعلق به یک مکان خاصی در یک زمان خاصی؛ اداره و کنترل محلی انعطاف‌پذیر که نظرات کودکان را به حساب بیاورد و تدارک ساختار مشارکتی مانند طرح‌های مشارکت (Horrel, 2007). در پژوهشی در سال ۲۰۰۲ در فرانسه انجمنی وابسته به یونسف و با همکاری انجمن ملی شهرداری‌های فرانسه مبحثی جهت دستیابی به شهر دوستدار کودک مطرح شد که در نهایت شاخص‌های تعیین‌شده در دسته‌هایی چون مشارکت دهی کودکان، امکان ابداعات برای کودکان، اطلاع‌رسانی بهتر، دسترسی به آموزش و سلامتی دسته‌بندی شدند (Unicef, 2011).

در یک طرح تحقیقاتی در آفریقای جنوبی در نظرخواهی که از کودکان ۱۰ تا ۱۴ سال انجام شد، سفارش‌های اساسی کودکان در مورد اصلاح محیط زندگی آنان به دسته تقسیم شد: فضاهای بازی کافی، امن و ایمن با تجهیزات ایمن؛ فضاهای همگانی بی‌خطر و امن؛ حل مشکلات عابر پیاده؛ ایجاد مسیرهای پیاده؛ تدارک تسهیلات کافی برای عابر پیاده؛ حمل‌ونقل عمومی با هزینه پایین و در نظر گرفتن تسهیلاتی برای کودکان؛ مدیریت مناسب سیستم‌جمع‌آوری و دفع زباله؛ حل مشکل استفاده از مشروبات الکلی (Satterthwaite, 2004). دیوید دریسکل در اقدامی که با همکاری اعضای طرح رشد یافتن در شهرها انجام داده بود این موارد را به‌عنوان درخواست‌ها و امیدهای کودکان بدون توجه به مکان و محل زندگی آن‌ها عنوان کرده بود: آب سالم و غذای کافی؛ نیاز به سلامت و داشتن فضای کافی برای رشد، بازی و یادگیری؛ نیاز به دوستان و خانواده‌ای که دوستشان بدارند و از آن‌ها مراقبت کنند؛ مشارکت در جامعه و باارزش تلقی شدن؛ همکاری با بزرگسالان برای ساختن مکان‌های بهتر؛ نیاز به صلح و داشتن امنیت در برابر خطرات و خشونت‌ها؛ دسترسی به محیط تمیز و تماس راحت با طبیعت؛ شنیده شدن و جدی گرفتن نظرات آن‌ها (Driskell, 2002).

جدول ۲- شاخص‌های مثبت در ایجاد شهر دوستدار کودک از دیدگاه دریسکل - مأخذ: (Al-Zoabi, 2000)

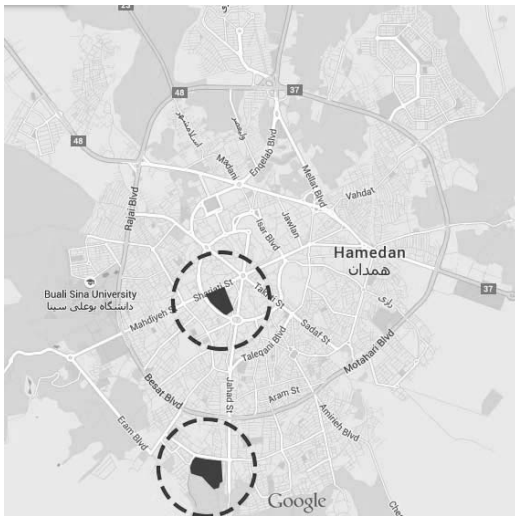
ردیف	شاخص‌های مثبت	تعریف
۱	همبستگی اجتماعی	احساس خوشایندی به دیگران دارند، در مکان‌های عمومی و نیمه عمومی به تعامل پردازند و به طور کلی احساس ارزشمند بودن و تعلق به جامعه داشته باشند.
۲	تنوع مکان‌های پرجاذبه برای فعالیت	مکان‌های متنوعی برای فعالیت برای جوانان وجود دارد؛ از جمله مکان‌هایی که در آن جوانان می‌توانند دوستان خود را ملاقات کنند، با یکدیگر صحبت کنند، بازی و ورزش کنند، در کارهای اجتماعی شرکت کنند، خرید کنند، تنها باشند یا شاهد فعالیت دیگران باشند.
۳	امنیت و آزادی حرکت	جوانان نسبت به جرم احساس امنیت داشته باشند و ترس حرکت آنها را محدود نسازد.
۴	مکان ملاقات افراد هم سن و سال	در جامعه باید مکان‌های دنجی در اختیار جوانان قرار گیرد تا آنان بتوانند در آنها به ورزش و فعالیت‌های اجتماعی پردازند. از جمله این مکان‌های می‌توان به یک گوشه دنج خیابان، مکانی در پارک، یک کافی‌شاپ یا فروشگاه، زمین بازی یا مرکز اجتماع اشاره کرد.
۵	هویت اجتماعی	جوانان از تاریخ جامعه خود آگاه بوده و نسبت به دستاوردهای آن احساس غرور می‌کنند. آنان شرکت‌کنندگان فعال در برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی شهر خود می‌باشند.
۶	محدوده‌های سبز	فضای سبز به اشکال گوناگون از زمین‌های مسطح سبز برای مسابقات ورزشی دوره‌ای گرفته تا پارک‌های پوشیده درختان و گیاهان، در واقع مراد دریسکل از محدوده‌های سبز انواع زمین‌های بازی و تفریح برای کودکان از جمله پارک است.

جدول ۳- شاخص‌های منفی در ایجاد شهر دوستدار کودک از دیدگاه در بیسکل مأخذ: (Al-Zoabi, 2000)

ردیف	شاخص‌های منفی	تعریف
۱	ننگ و محرومیت اجتماعی	با سایر گروه‌های سنی معاشرت نداشته باشند، احساس رها بود داشته باشند، در مکان‌های عمومی دیده نمی‌شوند و به سبب سایت‌های مجاز به اجتماع با هم سالان نمی‌باشند.
۲	کسالت و بی‌حوصلگی	مکان‌های جوانان بسیار کسالت آور یا مملو از زباله می‌باشد به نحوی که آنها از رفتن به آنجا پرهیز می‌کنند.
۳	ترس از آزار و جنایت	جوانان به سبب ترس از آزار و اذیت و اعمال خشونت آمیز از رفتن به مکان خاصی امتناع کنند.
۴	تنش قومی یا نژادی	جوانان ترس و ننگ از نژاد یا قوم را تجربه می‌کنند.
۵	ترافیک سنگین	خیابان‌های مملو از خودرو فضای کمی را برای تردد و حرکت باقی می‌گذارد. سرعت بالا و حجم ترافیک گسترده حرکت را نامطبوع و ناامن کرده و مانع جدی برای تحرک ایجاد می‌کند.
۶	زباله‌های جمع‌آوری نشده	جوانان به پارک‌ها و خیابان‌های مملو از زباله به عنوان مناظر زشت و نشانه‌های غفلت مسئولان می‌نگرند.
۷	فقدان خدمات اولیه	فقدان خدمات اولیه چون آب، سیستم فاضلاب و جمع‌آوری زباله‌ها موجب تحقیر و شرم جوانان می‌شود.
۸	احساس عدم قدرت سیاسی	جوان نسبت به ایده و باورهای خود شک دارند، اطمینان ندارند که بزرگسالان آنها را جدی می‌گیرند. این نارضایتی به صورت سوطن نسبت به اتفاقات و مسئولین سیاسی انعکاس می‌یابد.

جدول ۵- جدول شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها

شاخص‌های شهر دوستدار کودک	زیر شاخص‌ها
۱. ایمنی و امنیت	۱. سرعت پایین سواره ۲. راحتی پیاده‌ها و دوچرخه‌سوارها در تردد در معابر ۳. پایین بودن احساس ترس از محیط در کودکان ۴. وجود نظارت عمومی در معابر و فضاهای عمومی ۵. میزان فعالیت و بازی و تفریح کودکان در معابر و فضاهای عمومی
۲. وجود و دسترسی مناسب به فضاهای سبز و طبیعی	۱. اختصاصی سطح مناسبی از اراضی منطقه به پارک و فضای سبز ۲. دسترسی کالبدی مناسب به پارک‌ها و فضاهای سبز ۳. وجود سلسله مراتبی از فضاهای سبز در منطقه
۳. وجود فضاهای باز عمومی و همگانی دارای فعالیت‌های متنوع	۱. اختصاصی سطح مناسبی از محله به فضاهای باز عمومی ۲. وجود سلسله مراتبی از فضاهای باز عمومی در محله ۳. امکان انجام فعالیت‌های متنوع گروهی ورزشی و تفریحی کودکان در این فضاها
۴. دسترسی به تسهیلات و خدمات اساسی (آموزشی، بهداشتی و ورزشی)	۱. وجود دبستان در هر محله ۲. وجود سرانه مناسبی از کاربری‌های آموزشی، ورزشی، بهداشتی و تجاری - خدماتی
۵. وجود حمل و نقل عمومی مناسب و به خصوصی وجود مسیرهای پیاده و دوچرخه مناسب	۱. وجود وسایل نقلیه عمومی مناسب برای ارتباط منطقه به سایر نقاط شهر ۲. وجود مسیرهای مخصوص پیاده و دوچرخه در منطقه
۶. مشارکت و ارزش‌دهی به کودکان	۱. استفاده از نظرات کودکان در طراحی محیط توسط طراحان و برنامه‌ریزان و مسئولین محلی ۲. آموزشی به کودکان در مورد مسائل محیطی
۷. وجود محیط سالم و عاری از زباله‌ها و آلاینده‌ها	۱. جمع‌آوری به موقع زباله‌ها و باقی نماندن زباله‌ها در محیط ۲. عدم وجود کارگاه‌ها و مراکز آلاینده در داخل یا نزدیکی محیط مسکونی
۸. ایجاد و طراحی محیط‌های تفریح و سرگرمی برای کودکان	۱. وجود فضاها و زمین‌های مناسب از لحاظ اندازه و کیفیت برای بازی و فعالیت‌های کودکان ۲. در نظرگیری وسایل بازی و محیط‌های انعطاف‌پذیر برای فعالیت و تفریح کودکان



تصویر ۲- موقعیت دو محله قدیمی و جدید شهر (نمونه پژوهش)

نمونه‌های موردی (محله‌های کبایبان و حکیم)

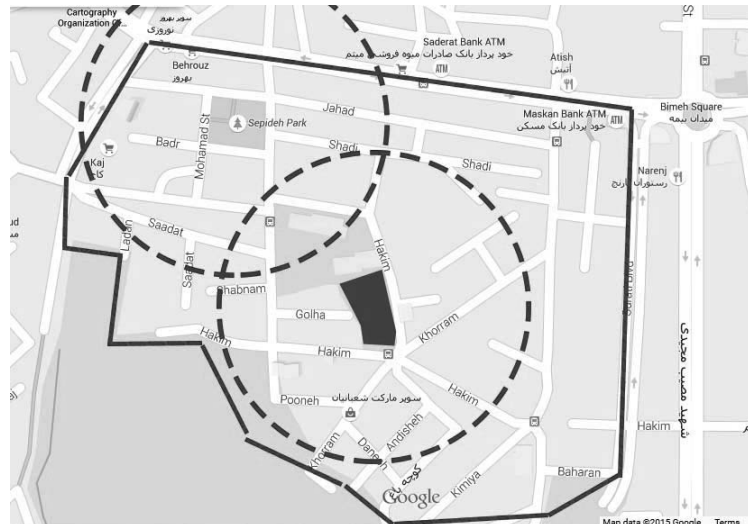
بخش زیادی از شهر همدان بر اساس مدل نظری به‌دست‌آمده مورد ارزیابی قرار گرفت اما برای برداشت‌های میدانی دقیق‌تر و جمع‌آوری پرسشنامه نیاز به جامعه آماری محدودتری بود. به همین دلیل دو محله متفاوت از نظر بافت سنتی و مدرن که در نقاط متفاوتی از شهر از نظر خدمات و طراحی قرار گرفته‌اند. برای این منظور انتخاب شد. موقعیت این محله‌ها در تصویر شماره ۴-۶ قابل مشاهده است. در تحلیل گرافیکی به روش عکس‌برداری به مشکلاتی همچون وضعیت نامناسب پیاده‌روها، فضاهای باز وبدون استفاده محله، تداخل فعالیت کودکان و حرکت اتومبیل‌ها در محله، روشنایی ناکافی فضاهای محله، عدم فضای مناسب برای تجمع کودکان، کمبود پارک و فضای بازی کودکان و طراحی نامناسب بوستان‌ها برای کودکان رسیدیم.



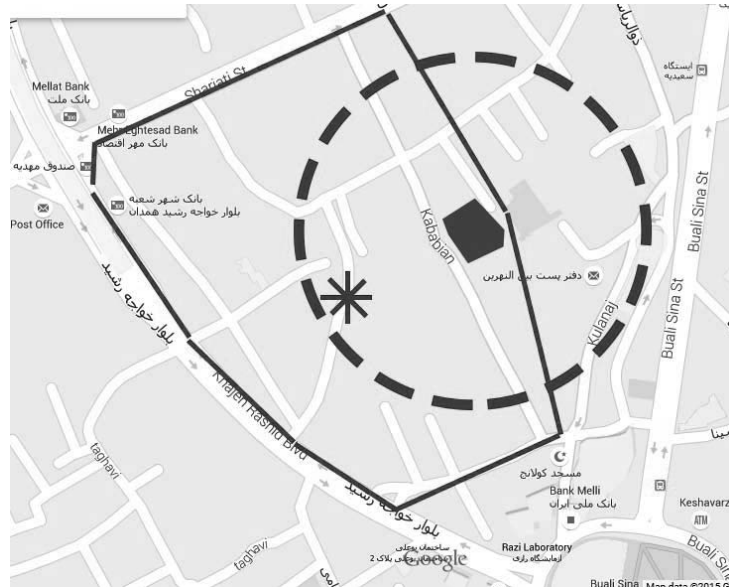


تصویر ۳- مشکلات محله برای استفاده کودکان

در تحلیل گرافیکی نقشه، به کاربری‌های مرتبط با کودکان در وضع موجود از قبیل دبستان، پارک و بوستان و مهدکودک، شعاع دسترسی و موقعیت آن‌ها نسبت به یکدیگر پرداختیم. شکل شماره ۴ و ۵ نشان‌دهنده موقعیت این کاربری‌ها و شعاع دسترسی به بوستان‌ها و پارک محدوده است.



تصویر ۴- موقعیت کاربری‌های مرتبط با کودکان در محدوده و شعاع دسترسی محله حکیم



تصویر ۵- موقعیت کاربری‌های مرتبط با کودکان در محدوده و شعاع دسترسی محله کبابیان

اهداف فرعی این پژوهش در نمونه‌های موردی

- ارزیابی اصول طراحی محلات دوستدار کودک در محله حکیم شهر همدان؛
 - شناسایی نیازهای کودکان در محلات شهر همدان؛
 - شناسایی عناصر کالبدی مهم برای کودکان، روابط و ویژگی‌های آن‌ها در ساختار محلات شهر می‌باشد.
- برای رسیدن به این اهداف پرسشنامه‌هایی با سؤالات نوشتاری و تصویری ابتدا در میان ۱۰ کودک برای اطمینان از نتیجه بخشی آن مورد آزمون قرار گرفت و پس از آن در اختیار ۵۰ کودک محله برای پاسخگویی قرار گرفت. نتایج به این قرار است:
- درروش مصاحبه با سه گروه شامل کودکان ۵-۷ سال، کودکان گروه سنی دبستان (۱۰ و ۱۱ سال) انجام گرفت. مصاحبه با کودکان به صورت انفرادی انجام گردید.

جدول ۶- سنجش وضعیت شاخص‌های فضای شهری کودک مدار در محله کبایان (با طیف لیکرت)

شاخص‌های شهر دوستدار کودک	امتیاز (طیف لیکرت)	وضعیت کلی
۱. ایمنی و امنیت	۳.۸	خوب
۲. وجود و دسترسی مناسب به فضاهای سبز و طبیعی	۱.۳	نامناسب
۳. وجود فضاهای باز عمومی و همگانی دارای فعالیت‌های متنوع	۳	متوسط
۴. دسترسی به تسهیلات و خدمات اساسی (آموزشی، بهداشتی و ورزشی)	۳.۲	متوسط
۵. وجود حمل‌ونقل عمومی مناسب و به خصوصی وجود مسیرهای پیاده و دوچرخه مناسب	۲.۹	متوسط
۶. مشارکت و ارزش‌دهی به کودکان	۱	نامناسب
۷. وجود محیط سالم و عاری از زباله‌ها و آلاینده‌ها	۲.۸	متوسط
۸. ایجاد و طراحی محیط‌های تفریح و سرگرمی برای کودکان	۱	نامناسب

به دلیل وجود معیار پریپیچ‌وخم در بافت ارگانیک این محله و فضاهای باز برخی قسمت‌ها وضعیت ایمنی پیاده در مقابل سواره شرایط بهتری نسبت به محله‌های جدید جنوب شهر دارد که با تعریض معابر این وضعیت رو به تغییر است؛ اما به دلیل فقدان فضا سبز و پارک محلی به دلیل تراکم نزدیک به مرکز شهر وضعیت این شاخص نامناسب است. به این ترتیب تک‌تک شاخص‌ها به وسیله پرسشنامه و مشاهده شرایط بافت در ساعات مختلف مورد ارزیابی و امتیازدهی قرار گرفت.

جدول ۷- سنجش وضعیت شاخص‌های فضای شهری کودک مدار در محله حکیم (با طیف لیکرت)

شاخص‌های شهر دوستدار کودک	امتیاز (طیف لیکرت)	وضعیت کلی
۱. ایمنی و امنیت	۲.۷	متوسط
۲. وجود و دسترسی مناسب به فضاهای سبز و طبیعی	۳.۶	متوسط
۳. وجود فضاهای باز عمومی و همگانی دارای فعالیت‌های متنوع	۳.۲	متوسط
۴. دسترسی به تسهیلات و خدمات اساسی (آموزشی، بهداشتی و ورزشی)	۳.۹	خوب
۵. وجود حمل‌ونقل عمومی مناسب و به خصوصی وجود مسیرهای پیاده و دوچرخه مناسب	۳.۴	متوسط
۶. مشارکت و ارزش‌دهی به کودکان	۱.۵	نامناسب
۷. وجود محیط سالم و عاری از زباله‌ها و آلاینده‌ها	۴.۱	خوب
۸. ایجاد و طراحی محیط‌های تفریح و سرگرمی برای کودکان	۱.۳	نامناسب

به‌طور کلی وضعیت شاخص‌ها در محله حکیم در بافت جدید شهر مناسب‌تر است. به دلیل در نظر گرفتن برخی کاربری‌های واجب مثل پارک محلی و یا وجود معابر مستقیم و عریض که از طرفی ایمنی پیاده در مقابل سواره را کم کرده اما از طرفی به دلیل وجود دید کافی شرایط بهتری برای دوچرخه‌سواری محیا شده است.

برخی شاخص‌ها مثل مشارکت و ارزش‌دهی به کودکان و ایجاد و طراحی محیط‌های تفریح و سرگرمی برای کودکان به دلیل عدم توجه به کودکان در طرح اولیه محله‌ها و عدم مشارکت واقعی آن‌ها در تصمیم‌ها و اعمال نظرها از وضعیت بسیار ضعیفی برخوردارند.

یافته‌ها و تحلیل‌ها

بخش زیادی از شهر همدان بر اساس مدل نظری به‌دست‌آمده مورد ارزیابی قرار گرفت اما برای برداشت‌های میدانی دقیق‌تر و جمع‌آوری پرسشنامه نیاز به جامعه آماری محدودتری بود. به همین دلیل دو محله متفاوت از نظر بافت سنتی و مدرن که در نقاط متفاوتی از شهر از نظر خدمات و طراحی قرار گرفته‌اند برای این منظور انتخاب شد. موقعیت این محله‌ها در تصویر شماره ۵-۱ قابل مشاهده است.

برای رسیدن به این اهداف پرسشنامه‌هایی با سؤالات نوشتاری و تصویری ابتدا در میان ۱۰ کودک برای اطمینان از نتیجه بخشی آن مورد آزمون قرار گرفت و پس از آن در اختیار ۵۰ کودک محله برای پاسخگویی قرار گرفت. نتایج به این قرار است: در روش مصاحبه با سه گروه شامل کودکان ۵-۷ سال، کودکان گروه سنی دبستان (۱۰ و ۱۱ سال) و والدین کودکان انجام گرفت. مصاحبه با کودکان به صورت انفرادی و مصاحبه والدین به صورت بحث‌های گروهی کانونی و گروه کوچک در جلو دبستان محله انجام گردید. نتایج آن به‌قرار زیر است:

مصاحبه با کودکان ۵-۷ سال نشان داد که بیشتر آن‌ها موافق با پیاده‌روی تا مهدکودک هستند. دوست دارند از عصر تا شب به همراه والدین به پارک بروند، دوست دارند مهدکودک نزدیک به خانه آن‌ها باشد، دوست دارند در نزدیکی مهدکودک و خانه آن‌ها پارک وجود داشته باشد، همه کودکان به دلایل سرعت بالای ماشین‌ها دوست نداشتند در کوچه‌های محله بازی کنند، باوجود علاقه به دوچرخه‌سواری در کوچه به دلیل عدم امنیت ناشی از عبور اتومبیل این علاقه را نفی می‌کردند، بیشتر کودکان به دلیل دوری مهدکودک از خانه و ترس عبور از عرض خیابان و سرعت بالای اتومبیل‌ها به همراه والدین و یا با سرویس به مهدکودک می‌آمدند. بیشتر کودکان محل بازی با همسالان خود را حیاط یا پیلوت آپارتمان خود ذکر می‌کردند و محل امنی در نزدیکی خانه خود برای بازی نداشتند.

مصاحبه با کودکان ۱۰ و ۱۱ سال که بیشترین تعامل را با محله خود داشتند نشان داد که: پارک‌های کوچک محلی، زمین فوتبال، زمین بازی، مسیرهای دوچرخه، کتابخانه از مکان‌های موردنیاز آن‌ها در محله است؛ امکانات بازی و تفریح آن‌ها در محله به یک پارک و چند بوستان کوچک محدود می‌شود و این‌ها را ناکافی می‌دانند؛ کودکان به وضعیت نامناسب پیاده‌روها بخصوص در زمستان اشاره کردند و همچنین اختلاف سطح‌های موجود در آن‌ها، پارک اتومبیل‌ها در مسیر پیاده‌روها که منجر به استفاده آن‌ها از مسیر سواره‌رو می‌شود، عرض کم پیاده‌روها را از مشکلات پیاده‌روها برشمردند و همگی موافق با ساماندهی پیاده‌روها و استفاده از کف‌پوش‌های رنگی و غیر لغزنده بودند؛ کودکان موافق ایجاد مسیرهایی برای دوچرخه‌سواری مخصوصاً در فواصل بین خانه تا پارک و مدرسه خود بودند؛ فضای سبز محله را کافی می‌دانند؛ روابط کودکان محله با یکدیگر رضایت‌بخش نیست، دبستان محله که ورود همه کودکان را به آن محدود می‌سازد موجب استفاده کودکان از مدارس خارج از محله گردیده است؛ روشنایی معبر و فضاهای محله را در شب ناکافی می‌دانند؛ ایمنی معابر محله در فواصل بین خانه تا مدرسه خود را پایین می‌دانند.

در مصاحبه گروهی با والدین کودکان در محله به پاسخ‌های مشابهی رسیدیم که عبارت‌اند از:

- مکان و زمان کافی برای بازی با کودکان ندارند.
- کودکان آن‌ها ترجیح می‌دهند با گروه‌های هم‌سن خود بازی و به تفریح بپردازند.
- امنیت کافی برای اینکه به کودکان خود اجازه دهند، بدون حضور آن‌ها در محله بازی کنند و یا پیاده به مدرسه بروند، را احساس نمی‌کنند.
- فاصله خانه تا مدرسه و پارک زیاد است.
- امکان نظارت والدین بر بازی کودکان وجود ندارد و همسایه‌ها شناختی از هم برای مراقبت و احساس مسئولیت در قبال دیگر کودکان ندارند.

برای دستیابی به ویژگی‌های ساختار فضایی محلات و ویژگی‌ها و روابط عناصر کالبدی مهم برای کودکان با شاخص نیازهای کالبدی کودکان در محله به بازتفسیر اطلاعات به‌دست‌آمده از روش‌های پرسشنامه، مصاحبه و تحلیل‌های گرافیکی پرداخته و نتایج زیر به دست آمد:

از مقایسه پاسخ‌های به‌دست‌آمده از سؤال زمان رسیدن شما به مدرسه به‌صورت پیاده چقدر است؟ و با چه وسیله‌ای به مدرسه می‌آید؟ این نتیجه حاصل شد که کودکانی که مسافت زمانی بین خانه تا مدرسه آن‌ها کمتر از ۵ دقیقه است پیاده به مدرسه می‌آیند و

کودکانی که مسیر آن‌ها ۱۰ دقیقه و بیشتر است این مسیر را با اتومبیل طی می‌کنند. این مورد می‌تواند در طراحی موردنظر قرار گیرد تا فاصله زمانی خانه تا مدرسه کودکان بیشتر از ۵ دقیقه نباشد. اگر به پاسخ‌های به‌دست‌آمده از سؤال‌های با چه وسیله‌ای به مدرسه می‌آید؟ و کدامیک از موارد (اتوبوس مدرسه و یا پیاده‌روی دسته‌جمعی تا مدرسه) را برای رفتن یا برگشتن از مدرسه بیشتر دوست دارید؟ توجه کنیم در سؤال اول درصد بالایی از کودکان مسیر خانه تا مدرسه را با اتومبیل (سرویس مدرسه) طی می‌کنند و تفاوت زیادی بین درصد کودکانی که پیاده به مدرسه می‌روند و با اتومبیل می‌روند دیده می‌شود، اما در سؤال دوم درصد زیادی از کودکان تمایل به پیاده‌روی دسته‌جمعی به مدرسه را دارند و نشان‌دهنده آن است که اگر این مسیر متناسب با کودکان طراحی شود، می‌توان به طی مسیر توسط کودکان به‌صورت پیاده اطمینان نمود.

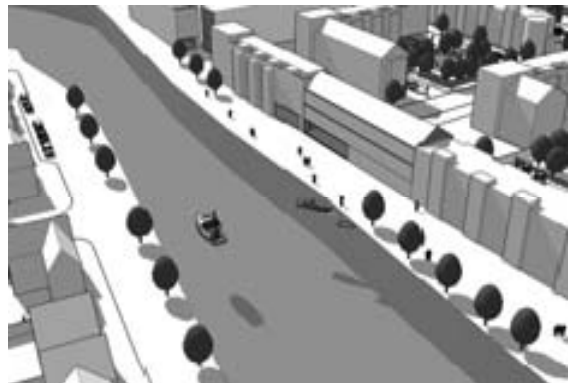
۴۷٪ درصد از کودکان در پاسخ به این سؤال که دوست دارید اوقات فراغت خود را به کجا بروید؟ به پارک اشاره کردند. همچنین ۳۲٪ به بازی با دوستان در محله و تنها ۲٪ از کودکان به کلوب بازی‌های کامپیوتری در سؤال محل بازی شما در محله کجاست؟ جواب داده بودند. این مسئله نشان‌دهنده آن است که کلوب بازی‌های کامپیوتری باید در طراحی محله به‌عنوان مکانی که کودکان به آن نیاز دارند، دیده شود. در مقایسه دیگری از این دو سؤال درمی‌یابیم که درصدی از کودکان هستند که تمایل به گذراندن اوقات فراغت خود در کوچه‌های محله دارند.

تضادی در وضع موجود و نیازهای کودکان، در سؤال دوست دارید اوقات فراغت خود را به کجا بروید؟ که درصد بالایی را پارک به خود اختصاص داد و نتایج مصاحبه که کودکان به کمبود پارک و فضاهای کودکان اشاره کرده بودند و از سوی دیگر در سؤال فاصله زمانی خانه شما تا نزدیک‌ترین پارک محله به‌صورت پیاده چقدر است؟ به این نتیجه رسیدیم که نزدیک به نیمی از کودکان مسیر بیشتر از ۵ دقیقه را برای رسیدن به پارک بایستی طی کنند که این خود نشان‌دهنده کمبود این فضا است. مجموع این تحلیل‌ها نشان می‌دهد که در طراحی محله می‌بایستی فضاهایی را برای ایجاد پارک‌های محلی که نزدیک به خانه‌ها باشد در نظر گرفت.

از کنار هم قرار دادن پاسخ به سؤالات دوست دارید در چه زمان‌هایی به پارک بروید؟ و در تابستان تا چه وقتی از روز را در خارج از خانه می‌گذرانید؟ که بیشترین جواب‌ها عصرها و شب‌ها بوده است و پاسخی که کودکان در مصاحبه در رابطه با روشنایی معابر دادند و آن را ناکافی دانسته‌اند، لزوم نورپردازی مناسب معابر و فضاهای مرتبط با کودکان را قوت می‌بخشد. در سؤالی از پرسشنامه از کودکان خواسته شده بود تا تصویر موردعلاقه خود را انتخاب کنند.



تصویر ۶-۲- انتخاب تصویر موردعلاقه



تصویر ۶-۱- انتخاب تصویر موردعلاقه

درصد بالایی از کودکان تصویر دوم را انتخاب کردند، تصویر دوم منطقه امن خانگی را نشان می‌دهد. در این منطقه طراحی به صورتی انجام گرفته است که سرعت اتومبیل‌ها را کاهش داده و فضایی امن برای بازی و فعالیت کودکان در کوچه‌های محله را که در یکی از سؤالات درصدی قابل توجه از کودکان به آن اشاره کرده بودند را فراهم می‌آورد.

در سؤالی از کودکان خواسته شد تا از میان دو فضا که یکی نشان‌دهنده خیابانی با ساختمان‌های بلند و فضای دیگر فضایی با ساختمان‌های کم ارتفاع را نشان می‌دهد.



تصویر ۷-۲- انتخاب فضا



تصویر ۷-۱- انتخاب فضا

نزدیک به ۷۵٪ از کودکان خیابان با ساختمان‌های کوتاه را انتخاب نمودند. این نشان می‌دهد که ارتفاع ساختمان‌ها در محدوده مورد مطالعه چیزی نیست که کودکان آن را دوست داشته باشند؛ اما در نقاشی‌هایشان می‌توان دید که ساختمان‌های چندطبقه را پذیرفته و احساس ناخوشایندی از آن ندارند. اگر دو سؤال نوشتاری و تصویری در مورد فضاهای مورد علاقه کودکان در محله را در کنار هم قرار دهیم:



تصویر ۸-۲- انتخاب محل بازی



تصویر ۸-۱- انتخاب محل بازی

در سؤال تصویری کودکان از میان زمین‌بازی و بازی در کوچه‌های محله، اکثریت به زمین‌بازی اشاره کردند، اهمیت زمین‌بازی و نیاز کودکان به آن در نقاشی کودکان نیز کاملاً مشهود است؛ اما در سؤال نوشتاری این درصد برعکس بود. عواملی از جمله عدم اطلاع کودکان از زمین‌بازی به دلیل عدم زمین‌بازی مناسب در محله که در تحلیل‌های گرافیکی به آن رسیدیم و یا جذابیت تصویر زمین‌بازی برای آن‌ها باشد. در مصاحبه با کودکان زمین‌بازی برای آن‌ها توضیح داده شد که در نتیجه آن کودکان آن را از نیازهای خود در محله برشمردند.

در نقاشی کودکان از ترسیم خطوط وسط خیابان‌ها توسط اکثر آن‌ها می‌شود دریافت که کودکان توجه زیادی به جزئیات کف دارند و در سؤالی که کفپوش مورد علاقه کودکان از آن‌ها پرسیده شد، کودکان کفپوش‌های شکل دار با رنگ‌های متنوع را بیشتر دوست دارند؛ بنابراین در طراحی‌ها بایستی جزئیات کف را مطابق خواسته آن‌ها با شکل‌ها و رنگ‌های کودکانه مدنظر داشت. کودکان بایستی با عناصر طبیعی در ارتباط باشند و این عناصر می‌تواند به‌عنوان وسایل بازی برای آن‌ها محسوب گردد. کودکان علاقه بسیاری به بازی با آب از خود نشان دادند، بنابراین از این عنصر می‌توان و بایستی در فضاهای بازی آن‌ها مثل پارک و زمین‌های بازی که در سؤالات به آن‌ها اشاره کردند، لحاظ نمود.

در مصاحبه با کودکان در مورد نظر آن‌ها در رابطه با ساماندهی پیاده‌روها، کودکان به وضعیت نامناسب پیاده‌روها در زمستان و دیگر مشکلات آن اشاره کردند که در عکس‌ها نیز این موضوع کاملاً مشهود است. پیاده‌روهای جذاب و متصل به هم با کفپوش‌های کودک پسند می‌تواند تأثیر بسزایی در پیاده‌روی کودکان و امنیت آن‌ها داشته باشد. با توجه به نقاشی کودکان از محله موجود خود می‌توان دریافت که تعریف محله برای اکثر آن‌ها محدود به کوچه‌ای است که خانه آن‌ها در آن قرار دارد. خیابان به‌عنوان مسیری است جهت تردد اتومبیل و حضور کمرنگ عنصر آدم و بخصوص کودک در نقاشی، نشان‌دهنده عدم حضور پذیری کوچه‌های محله برای افراد پیاده و کودکان است. پارک و مدرسه در تعداد کمی از نقاشی‌ها دیده می‌شود و خانه آن‌ها بدون هرگونه ارتباطی با این عناصر دیده شده است. عنصر درخت و فضای سبز درصد بالایی را در نقاشی کودکان به خود اختصاص داده است که نشانه اهمیت این عنصر در دید کودکان است. میدان محلی با فضای سبز میانی به‌عنوان فضایی برای بازی کودکان و فعالیت‌های مختلف ترسیم شده است و در چند نقاشی دیده می‌شود که نشانگر اهمیت میدان‌ها در درک کودکان از محله است.

آنچه در عکس‌های مربوط به پارک محله مشهود است، عدم طراحی و فضاسازی این مکان‌ها برای کودکان است. هیچ‌گونه مبلمان خاص کودکان و فضاهای بازی در این بوستان‌ها به چشم نمی‌خورد. وسایل ورزشی بزرگسالان و نیمکت‌های مناسب آن‌ها در آن تعبیه گردیده است و این موضوع باعث استفاده بیشتر گروه بزرگسالان از این فضاها گردیده است. تعدادی از کودکان محله خود را به شکل پارک دیده‌اند، این بدان معناست که برای کودکان پارک به‌عنوان هویت محله مطرح است.

از تحلیل پرسشنامه و مصاحبه با کودکان و والدین به دو نکته پی می‌بریم:

اول اینکه کودکان دوست دارند بیشتر با هم‌سن‌وسال‌ها و دوستان خود در پارک و محله بازی کنند و ساعاتی از عصر تا شب را به این مکان‌ها بروند؛ اما در مصاحبه گروهی از والدین به نظرهای مشترکی رسیدیم که والدین امنیت محله و مکان‌های بازی را کافی نمی‌دانند و وقت زیادی برای همراهی با کودکانشان ندارند. دومین مورد اینکه درصد زیادی از کودکان دوست دارند که پیاده به مدرسه بروند اما همان دلایل عدم امنیت و وقت ناکافی والدین آن‌ها را از این نیاز محروم می‌سازد.

نتیجه‌گیری

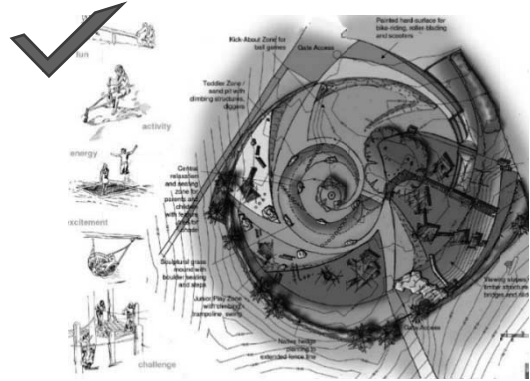
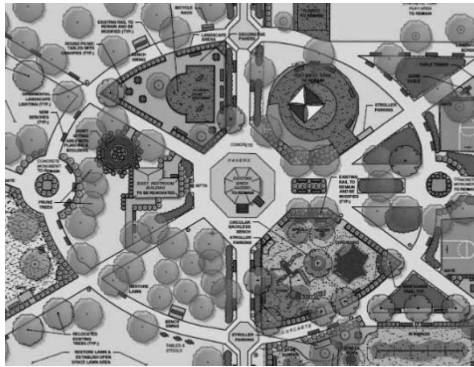
کودک مداری و توجه بیش‌ازپیش به این قشر بالارزش و آسیب‌پذیر جامعه یک بحث بسیار گسترده و کلی است که مقالات و کتاب‌های بسیار نوشته و پژوهش‌های بسیاری درباره آن انجام شده است؛ ولی مطلبی که تا به حال به آن پرداخته نشده است سنجش میزان کودک مداری محیط و در نتیجه آن شناسایی دقیق نقاط ضعف و قوت می‌باشد. در این پایان‌نامه در راستای همین مسئله به تعیین و ایجاد چارچوب شاخص‌ها برای شهر دوستدار کودک و در ادامه آن به تعیین زیر شاخص‌هایی برای هر شاخص (برای بررسی دقیق‌تر این مسئله در محیط) پرداخته شد و با استفاده از آن‌ها و روش ارزیابی این مسئله کاملاً کیفی را به صورت کمی در دو منطقه ارزیابی و مقایسه کرد؛ اما نکته مهم این است که این چارچوب با مطالعات بیشتر و انجام بررسی‌ها و پژوهش‌های میدانی بیشتر و نقاط متفاوت می‌تواند کامل‌تر و گسترده شود که در چارچوب زمانی و امکانات این پژوهش نبوده است؛ بنابراین امید است که این پژوهش‌ها ادامه پیدا کرده و نقصان فعلی را جبران کند. از طرفی دیگر باید توجه داشت که نیازهای کودکان فقط ابعاد محیطی ندارد و نیاز به توجهات بسیار دیگر برای مثال در ابعاد سیاسی و اقتصادی دارد که باید به‌خصوص از سوی مسئولان و در سطوح کلان موردتوجه قرار گیرد تا بتوان شاهد آینده‌ای روشن و زیبا برای کودکان این مرزوبوم بود.

هدف اصلی از این تحقیق دستیابی به ویژگی‌های ساختاری محلات بر اساس الگوهای شهر دوستدار کودک بود که با یادآوری اصول و الگوهای شهر دوستدار کودک و با پیاده‌سازی این اصول در شهر همدان و همچنین با دریافت نظرها و نیازهای کودکان در قالب پرسشنامه و مصاحبه و نگاهی به وضع موجود و تحلیل آن با عکس و نقشه به یافته‌هایی از قبیل شناخت محله خود از روی اسم خیابان‌ها که دلیل آن می‌تواند عدم هویت محله برای کودکان باشد. لزوم جانمایی کاربری‌های پارک و دبستان در فواصل 5 دقیقه از خانه‌ها، عدم استفاده کودکان از فضاهای محله به علت عدم امنیت کالبدی و عدم حضور پذیری محله برای کودکان، عدم خوانایی محله برای کودکان که از نقاشی‌های آن‌ها پیداست دست یافتیم.

بنابراین با توجه به این یافته‌ها در پاسخ به سؤال اصلی تحقیق که ساختار فضایی محلات باید دارای چه ویژگی‌هایی گردند تا منطبق بر الگوهای شهر دوستدار کودک شوند، می‌توان گفت: ساختار فضایی محلات دوستدار کودک می‌بایستی دارای ویژگی‌هایی چون حضور پذیری، نفوذپذیری و هویت برای کودکان باشد. این ویژگی‌ها بستر مناسب و امنی را برای شکل‌گیری رفتارهای کودکان در محله و رشد اجتماعی آن‌ها ایجاد می‌کند که خود به تحقق حقوق آن‌ها در جامعه کمک می‌کند.

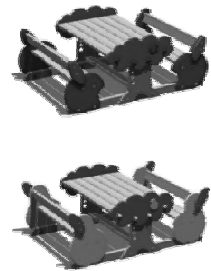
محله حکیم یکی از مناطق بسیار جدید همدان است که به سبک مدرن طراحی شده و بخش عمده‌ای از آن به معابر سواره اختصاص یافته است و درواقع اتومبیل و سواره نقش بسیار پررنگی در این منطقه دارد. یکی از معایب محله حکیم بنا بر گفته ساکنین نبود سرزندگی و فضای دوستانه مناسب است که می‌توان آن را تا حدی با نادیده گرفتن نیازهای و اصولی کودک مداری در منطقه توجیه کرد زیرا نیازهای کودک به‌عنوان آسیب‌پذیرترین قشر جامعه اصلی و اساسی‌ترین نیازهای مشترک دیگر اقشار جامعه نیز می‌تواند باشد و عدم توجه به آن‌ها در طراحی این محله درواقع بی‌توجهی به نیازهای پایه جامعه و در نتیجه بی‌روحو و بی‌کیفیتی محیط می‌باشد. از آن طرف محله کبایان یکی از قدیمی‌ترین محلات همدان است که به تدریج و بنا بر نیازهای مردم و اقشار مختلف در طی سالیان طولانی ساخته شده است؛ اما بافت آن در حال حاضر تا حدودی فرسوده بوده و فاقد فضاهای سبز مشابه محله حکیم می‌باشد. درواقع می‌توان گفت با طراحی یک محله کودک مدار می‌توان تا حد زیادی کیفیت زندگی اجتماعی، سرزندگی و تعاملات در یک محیط را تأمین و تضمین کرد.

ضوابط طراحی شهری کودک مدار
- استفاده از هندسه پیچیده و نامنظم



تصویر ۹- استفاده از هندسه پیچیده و نامنظم

- استفاده از مبلمان مناسب کودکان از نظر اندازه - رنگ - طرح



تصویر ۱۰- استفاده از مبلمان مناسب کودکان از نظر اندازه - رنگ - طرح

- ایجاد شرایط مناسب برای استفاده کودکان از پوشش گیاهی



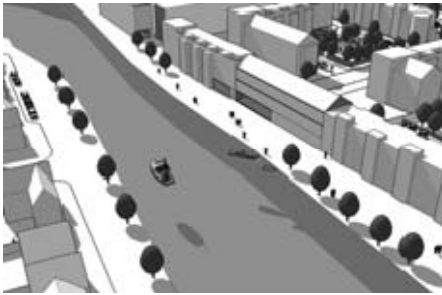
تصویر ۱۱- ایجاد شرایط مناسب برای استفاده کودکان از پوشش گیاهی

- کفسازی مناسب تمامی فصول و رنگارنگ



تصویر ۱۲- کفسازی مناسب تمامی فصول و رنگارنگ

– کنترل سرعت سواره در ورودی محلات و معابر



تصویر ۱۳- کنترل سرعت سواره در ورودی محلات و معابر

– ایجاد فضاهای بازی و تجمع متمرکز و غیر خطی و قابل نظارت برای کودکان



تصویر ۱۴- فضاهای بازی و تجمع متمرکز و غیر خطی و قابل نظارت برای کودکان

– حفظ مقیاس انسانی و پرهیز از بلند مرتبه سازی



تصویر ۱۵- حفظ مقیاس انسانی و پرهیز از بلند مرتبه سازی

منابع

- Aarts, M. J., et al. (2011). Multi-sector policy action to create activity-friendly environments for children: A multiple-case study. *Journal of Health Policy*, 101, 11-19. Available from: [http://www.healthpolicyjrn.com/articleS0168-8510\(10\)00272-1/fulltext](http://www.healthpolicyjrn.com/articleS0168-8510(10)00272-1/fulltext).
- Al-Zoabi, A. Y. (2000). Children and Neighborhood Design. Unpublished Research Project Report, Jordan University of Science and Technology, Irbid, Jordan
- Bartlett, S. (2005). Urban Children and the Physical environment. Paper presented at the Children in the City conference, 1113 December, 41-63.
- Chawla. (2002). Growing up in an urbanizing world. London: Earthscan Publications Ltd.

- Christensen, P., & O'Brien, M. (Eds.). (2003). *Children in the city: Home neighbourhood and community*. Routledge.
- Churchman, A. (2003). Is there a place for children in the city?. *Journal of Urban Design*, 8, 2, 99-111.
- Driskell, D. (2002). *Creating Better Cities with Children and Youth: A Participatory Manual*. London UNESCO Earthscan.
- Francis, M., & Lorenzo, R. (2006). 13 Children and city design: proactive process and the renewal of childhood. *Children and their environments: Learning, using and designing spaces*, 217.
- Gleeson, B., & Sipe, N. (2006). *Creating child friendly cities*. Taylor & Francis Limited.
- Hampshire Kate, R, et al. (2011). Out of the reach of children? Young people's health seeking practices and agency in Africa's newly-emerging therapeutic landscapes. *Journal of Social Science & Medicine*, 73, 702-710.
- Hill Martha, S., & Sandfor, J. R. (1995). Effects of childhood poverty on productivity later in life: Implications for public policy. *Journal of Children and Youth Services Review*, 17, 91-126.
- Holt Nicholas, L, et al. (2009). Neighborhood physical activity opportunities for inner-city children and youth. *Journal of Health & Place*, 15, 1022-1028.
- Howard, A. (2006). What Constitutes Child Friendly Communities and how are they built, report prepared for the Australian Research Alliance for Children and Youth (ARACY). Sydney: Perth.
- Knowles-Yáñez, K. L. (2005). Children's participation in planning processes. *Journal of Planning Literature*, 20, 1, 3-14.
- Marcus, C. C., & Francis, C. (Eds.). (1997). *People places: Design guidelines for urban open space*. John Wiley & Sons.
- Moeis, R. (1968). *Urban Sociology*. New York: George Allen Unwin.
- Moore, R. C. (1997). The need for nature: A childhood right. *Social Justice*, 203-220.
- Riggio, E. (2002). Child friendly cities. Good governance in the best interests of the child. *Journal of Environment Urbanization*, 14, 2, 45-58.
- Satterthwaite, D. (2004). *City governance for and with children*. International institute for environment and development. London: IIED.
- Shiyeh, E. (2006). *Amade Sazie Shahr baraye kudakan Prepare the city for children, Case study: Tehran*. Tehran: Nashre Shahr.
- Spencer, C., & Blades, M. (2006). *Children and their environments: Learning, using and designing spaces*. Cambridge University Press.
- Tavassoli, M. Bonyadi, N. (1990). *Tarahie Fazahay-e Shahri Design of urban spaces*. Tehran: Iranian Center for Architecture and Urban Studies.
- Thomas, C., et al. (2006). Quality of life in children and adolescents with cystic fibrosis managed in both regional outreach and cystic fibrosis center settings in Queensland. *Journal of Pediatrics* 148, 508-516.
- Tranter, P., & Whitelegg, J. (1994). Children's travel behaviors in Canberra: car dependent lifestyles in a low-density city, *Journal of Transport Geography* 2, 265-273.
- Tranter, P., & Pawson, E. (2001). Children's access to local environments: a case-study of Christchurch, New Zealand. *Local environment*, 6, 1, 27-48.
- UNICEF. (2002). *Poverty and exclusion among urban children*, UNICEF innocent research centre, Florence forthcoming, 24.
- UNICEF. (2011). Retrieved March, 2011, from <http://childfriendlycities.org/building-a-cfc/indicatorcriteriafor-cfc/france>.

- Walsh, P. (2006). Creating child friendly playspaces. *Creating Child Friendly Cities: New Perspectives and Prospects*, 136.
- Woolcock, G., & Steele, W. (2008). *Child-friendly community indicators literature review*. Queensland: Griffith University.